



فایه از چهره رده های قریه

روایت قریه از
ک. اظمحاجی رجب علی
فایه پائینی

عنوان و نام پدیدآور: روایت قرآن از بانوان / نویسندگان: کاظم حاجی رحیمی،
قدسیه پائینی؛ برای: مدرسه دانشجویی ادب، هنر، رسانه
مشخصات نشر: تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص: مصور (بخش رنگی)
فروست: مجموعه کتب عمومی حوزه قرآن و امام
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۸-۹۹-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: بالای عنوان: قابی از چهره‌های قرآنی
عنوان دیگر: قابی از چهره‌های قرآنی
موضوع: زنان در قرآن
موضوع: زنان مقدس

شناسه افزوده: پائینی وایقان، قدسیه ۱۳۶۲-
شناسه افزوده: مدرسه دانشجویی ادب، هنر، رسانه
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۹۲۳/۴ BP
ده بندی دیوبی: ۲۹۷/۱۵۹
شماره ثبت: ۴۱۱۱۷۳۲ ملی

قابی از چهره‌های قرآنی: روایت قرآن از بانوان
از مجموعه کتب عمومی - حوزه قرآن و امام
نویسندگان: کاظم حاجی رحیمی، قدسیه پائینی
نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۳۹۴
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
ناشر: نشر قرآن و اهل بیت نبوت علیه السلام
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۸-۹۹-۰
بها: ۷۵,۰۰۰ ریال



مأموریت: دانش و فرهنگ را به نفع مردم

جل

فهرست

- ۹ مقدمه
- ۳۱ فصل اول
- ۲۴ بانو حوا سلام الله عليها
- ۳۰ بانو زلیخا سلام الله عليها
- ۳۷ فصل دوم
- ۴۰ بانو آسیه سلام الله عليها
- ۴۵ فصل سوم
- ۴۸ بانو برخانه سلام الله عليها
- ۵۳ فصل چهارم
- ۵۶ بانو یحجه سلام الله عليها
- ۶۲ بانو ساره سلام الله عليها
- ۶۷ فصل پنجم
- ۷۰ بانو رحمت سلام الله عليها
- ۷۵ فصل ششم
- ۸۱ همسر موسی سلام الله عليها
- ۸۸ فصل هفتم
- ۹۰ بانو مریم سلام الله عليها
- ۱۰۱ فصل هشتم
- ۱۰۲ بانو بلقیس سلام الله عليها
- ۱۱۱ فصل خاتمه
- ۱۱۲ ليله القدر حضرت فاطمه سلام الله عليها

مقدمه

قابی از چهره‌های قرآنی، عنوان مجرّمه کتاب‌هایی است که در آن به زبان ساده، به موضوع شناخت شخصیت‌ها، با کمک تدبیری پرداخته است. کتاب حاضر ۱۰ نفر از چهره‌های بانوان قرآن را با رویکرد یاد شده، در سه مرحله بررسی کرده است: مرحله اول، شامل مرور اشارات قرآن در مورد آن شخصیت می‌شود. مرحله دوم، شامل بررسی آیه یا آیاتی می‌شود که اسناد حدیثی نبوی به عنوان معرف آن بانو انتخاب شده‌اند. مرحله سوم شامل جمع‌بندی نکات قبل و تبیین نقش آن چهره در ترسیم چهره سیده نساء (ع) است. دلیل پرداختن به این بخش نیز به غرض روایت نبوی‌ای باز می‌گردد که پیش از این به آن اشاره شد. در این روایت به قصد معارفه بانوی نمونه اسلام تبیین جایگاه ایشان چهره‌های متعددی از زنان و مردانی که نامشان در قرآن آمده است، معرفی شده‌اند.

روایتی که پیش روست، روایتی با عظمت، اما مغفول است، بدین معنا



که در آثار مشهور و متداولی که در شناخت شخصیت بی‌نظیر فاطمه (س) و نیز اصلاح و تکمیل نگاهی که به موضوع زن از منظر قرآن وجود دارد، این روایت آن‌چنان که شایسته است، مورد استفاده قرار نگرفته است در حالی که ظرفیت‌های آن بسیار کارگشاست. سند روایت چنانچه آمده است عبارتست از: «الْقَاضِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْكَرْخِيُّ فِي كِتَابِهِ عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَتْ فَاطِمَةُ ع...» صرف‌نظر از مرسل بودن سند روایت، مضامین ذکر شده در روایت، در عین اجمال، بسیار بلندتر از جعل بشر است، لذا کمترین تردیدی در استناد آن به معصوم (ع) وجود ندارد. گفتمنی است که در مطالعه این روایت، چهار لایه از نقل قول راه نباید از نظر دور داشت اول اینکه روایت یاد شده در اصل از زبان رسول خداست که فاطمه (س) را یادایت کرده است، لذا اگر چه کمترین خدشه‌ای در انتقال کلمات رسول خدا (ص) وجود ندارد، لکن ملاحظت کلام فاطمه (س) را نیز در این روایت نمی‌توان از نظر دور داشت؛ عین همین موضوع را در روایت یاد شده و در خصوص کلام سیرین اما صادق (ع) نیز باید ملحوظ داشت، پس ما ممکن است در متن، مواجه با سه رویه هم‌جهت اما متنوع باشیم، و ناگزیر از این تحلیل شویم که، مثلاً بخشی از روایت، نمی‌تواند از زبان رسول خدا (ص) و یا فاطمه (س) باشد، این بخش دقیقاً همان تفسیر است که از زبان امام صادق (ع) بوده و بخشی از روایت یاد شده را تشکیل داده است. این‌ها به ظاهر یک‌دست نبودن روایت نباید به مضطرب بودن و خدشه‌دار بودن متن روایت تفسیر شود. با تمام این تفاسیر و با وجود اینکه مشکل خاصی به جز شماره عدد در نام بردن اشخاص، در این روایت وجود ندارد، لایه چهارمی از نقل روایت یاد شده را ملحوظ می‌داریم و آن تأثیری احتمالی است که راوی یا راویان غیر معصوم، در روایت داشته است، موضوعی که فرض بدیهی در بررسی هر روایت و متن مربوط به گذشته است. در ذیل ترجمه متن روایت خواهد آمد:



«از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: فاطمه (س) فرمود: زمانی که آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (سوره نور: ۶۳) نازل شد، از اینکه به رسول خدا (ص) پدر بگویم، بیم داشتم پس به او یا رسول الله می گفتم. پس یک یا دو یا سه بار توجهی نکرد اما سپس روی به من کردند و فرمودند: ای فاطمه این آیه روی این خطابش با تو نیست و همچنین با اهل و نسل تو نیست؛ تو از من هستی و من از تو هستم روی خطاب این آیه به ستم کاران و گستاخان نیست. من است کسانی که اهل گردنکشی و تکبر هستند. به من پدر بگو چرا که باعث خجالت قلبی می شود و خدا به آن راضی تر است.

و بدان که خداوند از آنجا که در قرآن بر وجه کنایه نام برده است:

«اسْكُنْ أَنتَ وَرَوْجُكَ الْجَنَّةَ» بقره: ۳۸ و اعراف: ۱۹ در مورد حواء

«صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا» (تحریم: ۱) در مورد همسر نوح و همسر لوط

«إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (تحریم: ۱) در مورد همسر فرعون

«وَأَمْرَأَتُهُ قَاهِلَةٌ» (هود: ۷۱) در مورد همسر ابراهیم

«وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ» (انبیاء: ۹۰) در مورد همسر زکریا

«الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ» (یوسف: ۵۱) در مورد زلیخا

«وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ» (انبیاء: ۸۴) در مورد همسر ایوب

«إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ» (نمل: ۲۳) در مورد بلقیس

«إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَكْفِكَ» (قصص: ۲۷) در مورد همسر موسی

«وَإِذْ أَسْرَ السَّيِّئُ إِلَى بَعْضِ أَرْوَاحِهِ خَبِيرًا» (تحریم: ۳) در مورد حفصه و عایشه

«وَوَجَدَكَ عَائِلًا» (ضحی: ۸) در مورد خدیجه (س)

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ» (الرحمن: ۱۹) در مورد فاطمه (س).



سپس این زنان را به خصلت‌هایی یاد می‌کند:

توبه را از حواء «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا» (اعراف: ۲۳) و شوق از آسیه «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا» (تحریم: ۱۱) و ضیافت از ساره «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ» (هود: ۷۱) و عقل از بلقیس «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً» (نمل: ۳۴) و حیاء از همسر موسی «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْثِلُ» (قصص: ۲۵) و احسان از خدیجه «وَوَجَدَكَ عَائِلًا» (ضحی: ۸) و نصیحت برای عایشه و حفصه «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُ أَكْأَحَدٍ إِلَى قَوْلِهِ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (احزاب: ۳۲) و عصمت از فاطمه (س) «وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ» (آل عمران: ۶۱).

خدایان ده چیز را به ده تن از زنان عطا کرد:

توبه برای حواء همسر آدم و جمال برای ساره همسر ابراهیم و حفاظ برای رحمت همسر یوسف و حرمت برای آسیه همسر فرعون و حکمت برای زلیخا همسر یوسف و عقل برای بلقیس همسر سلیمان و صبر برای یرخانه مادر موسی و برگزیدگی برای مریم مادر عیسی و زنا برای خدیجه همسر مصطفی و علم برای فاطمه همسر مرتضی و اجابت برای حسن و آذر برای زینب آمده است:

«وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ» (صافات: ۷۵) نوح؛ «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ» (یوسف: ۳۴) یوسف؛ «قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمْ» (یونس: ۸۹) موسی و هارون. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ» (انبیاء: ۸۸) یونس. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَشَفَعْنَا لَهٗ مِنْ رَبِّهِ» (انبیاء: ۸۴) ایوب. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى» (انبیاء: ۹۰) زکریا. «ادْعُنِي اسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) برای مخلصین «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ» (نمل: ۶۲) برای مضطربین. «وَأَسْأَلُكَ عَائِدِي» (بقره: ۱۸۶) برای داعین (دعاکنندگان) «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ» (آل عمران: ۱۹۵) و علم برای همسرش و رسول خدا (ص) برای ده چیز دچار هم و نگرانی شد پس خداوند او را از آن نگرانی ایمن کرد و به آن بشارت داد:

برای دوری و جدایی از وطنش که خداوند نازل فرمود: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ

لَرَأَدُكَ إِلَى مَعَادٍ» (قصص: ۸۵)

و برای حفظ قرآن از تبدیل، بعد از رسول (ص) (همانند تبدیلی که برای کتب سایر ادیان بوجود آمد) پس چنین نازل فرمود: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) و برای امتش از عذاب، پس نازل فرمود: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (انفال: ۳۳)

و برای غلبه ی دین که خداوند نازل فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (صف: ۹) / نوح: ۲۸، نوبه: ۳۳

و برای مؤمنین بعد از خودش؛ که خداوند نازل فرمود: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲۷) و برای دشمنانش (لِخِصْمَائِهِمْ) پس نازل فرمود: «يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (تحریم: ۸)

و برای شفاعت که نازل فرمود: «وَلَوْ أَنَّكَ تَعْلَمُ غُيُوبَ قُلُوبِ النَّاسِ لَخَرَّفْتَهُمْ» (ضحی: ۵) و برای فتنه ی بعد از خودش؛ و انشایش؛ پس نازل فرمود: «فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ» (زخرف: ۱۸) پس با علی.

و برای ثبات خلافت در اولاد او که نازل فرمود: «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) و برای دخترش هنگام هجرت؛ پس نازل فرمود: «يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا» (آل عمران: ۱۹۱)

و در رأس توابین چهار نفر قرار دارند: آدم، «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا» (اعراف: ۱۹) و یونس «قَالَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء: ۸۷) و داود «وَحَزْرَاكَا وَ أَنْابَ» (ص: ۲۴) و فاطمه «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا» (آل عمران: ۱۹۱) و چهار نفر از زنان صالح، ترسانده شدند:

آسیه که به انواع عذاب، شکنجه شد تا جایی که می گفت: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (تحریم: ۱۱) و مریم که از مردم ترسید و گریخت «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي» (مریم: ۲۴) و خدیجه که زنان به خاطر پیامبر او را تنها

گذاشتند و وانهادند. پس فاطمه که فرمود: آیا رسول خدا پدر من نبود؟ آیا فرزنداناش نباید در آنچه که به آن سرعت گرفتید و در شکستن پیمان عجله کردید، حفظ شوند؟

و در رأس گریه کنندگان هشت نفر قرار دارند: آدم و نوح و یعقوب و یوسف و شعیب و داود و فاطمه و زین العابدین...». (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۲)

بخش مورد استفاده ما از این روایت مربوط به عباراتی می‌شود که در قالب آن، با بیان عطایا و صفات بانوان نام برده شده در قرآن، تبیین شخصیت با عظمت فاطمه (س) صورت گرفته است. به بیان روشن‌تر امتیاز این روایت در آن است که اولاً برای تحلیل هر بانویی در کتاب خدا به یک یا دو آیه کلیدی اشاره کرده است تا خط و جهت لازم در تحلیل حاصل شود، و در واقع آن آیه یا آیات مشخصه‌ری تحلیل شخصیت هر یک از بانوان یاد شده است؛ ثانیاً مطابق غرض روایت هم بانوان یاد شده با آیاتی که شاخص شخصیت آنها بودند، خود شاخص‌های شناخت و یاد مقدس و نورانی سیده نساء عالمیان، زهرا (س) هستند.

وقتی از شاخص در ترسیم یک بهره سخن به میان می‌آید، یعنی به چیزی غیر از اشاره مستقیم، برای ترسیم آن چه دلالت داده‌ایم. مثلاً گاهی برای درک موقعیت زمین به نسبت خورشید، نگاه‌ها نه معطوف به زمین و نه معطوف به خورشید، بلکه معطوف به ماه می‌شود. و هر یک از این‌ها که از اهل ماه، می‌تواند گویای نسبت زمین با خورشید نیز باشد. مثل اینکه کسی که عمر خود و مختصات آن را در بزرگ شدن و قد کشیدن فرزندش تماشا و تلاطم کند؛ یا در تماشای یک منظره وقتی از نردبانی بالا می‌رود، چشم اندازش زاویه‌های مختلف به خود بگیرد و هر قاب از منظره بر این نکته اشاره غیر مستقیم نماید که بیننده در پله چندم ایستاده است. این نوع نگاه، ارزش هنری و علمی فراوان

دارد چون توجهات را معطوف به بسترها و پس زمینه‌های اطراف می‌کند و در واقع در یک قاب بصری، حرکت را مورد توجه قرار می‌دهد؛ پس می‌تواند به عنوان ساختمان و غرض اصلی فیلم‌برداری یا داستان‌پردازی قرار بگیرد. طبعاً فایده این نوع نگاه بیش از موارد یاد شده است و کمی دقت اثبات می‌کند که انسان بسیاری از معارف و دانسته‌ها را از این طریق حاصل می‌نماید.

این رویکرد که به مدد قرآن، نوعی رویکرد تدبری به چهره‌هاست، می‌تواند پاسخگوی نیاز عموم مخاطبان و نیز نیاز مخاطبان تخصصی از جمله اصحاب هنر، ادبیات رسانه‌ها باشد.

در این خصوص این نکته را نباید فراموش کرد که وقتی به مدد قرآن به ترسیم شخصیتی می‌پردازیم، در حقیقت فقط آن شخصیت تصویر و ترسیم نشده است، بلکه الفبای ترسیم هر شخصیتی نیز در پیش‌روی مخاطب امکان ترسیم یافته است. با این روش ترازاف گفته‌ایم اگر بگوئیم مایه‌های اصلی هر پرداخت شخصیتی را می‌توان در ترسیم شخصیت‌های قرآن جستجو کرد. نکته‌ای که ذکر آن در نیش‌قلم‌ها و کنایه‌های موجود در این کتاب قابل پیگیری است.

گفتنی است برای نظام بخشیدن به فصول مربوط به چهره‌ها، از عناوین و اصطلاحات مربوط به اشکال مختلف اهله ماه استفاده شده است که چنین فراتر از نوعی استعاره و کنایه هستند؛ اصطلاحات مذکور شامل مقارنه، هلال اول، تربیع اول، تثلیث اول، بدر یا ماه تمام، تثلیث دوم، تربیع دوم، هلال آخر و نهایتاً مقارنه آخر می‌شود.

خاتمه کتاب حاضر، اختصاص ویژه به ترسیم چهره نورانی فاطمه (س) دارد؛ در این بخش از تعبیر «لیلة القدر» استفاده کرده‌ایم. در این بخش، از تحقیق بی‌نظیر استاد احمد رضا اخوت در ادعیه و نمازهای حضرت زهرا (س) که در قالب

سه جلسه سخنرانی با عنوان «تقلابی با علم فاطمی (ع)» ایراد شد، و به تبیین نسبت قیام حضرت مهدی (عج) با نماز و منسک و محیا و ممات حضرت زهرا (س) پرداختند، بهره فراوان بردیم.

در یک جمع بندی کلی می توان یاد آور شد که این کتاب دو وجه مهم و اساسی دارد: یکی اینکه از زوایای بدیع به ترسیم چهره هایی نورانی از بانوان قرآن می پردازد و دوم اینکه با باقی گذاشتن اشاره ها و نیش قلم هایی، میان متن قرآن و ادبیات و هنر، برای ترسیم مفهومی از برخی چهره ها پیوند برقرار می نماید؛ چنان نیش قلم های یاد شده در این کتاب، برای کسانی که علاقه به فیلم برداری یا اقامت داستان و سناریو نویسی دارند، راهگشاست.

در پایان لازم است کمال قدردانی را از استاد بزرگوار تدبر در قرآن، جناب آقای احمد مراد خوت برار نماییم. همچنین لازم می دانیم از سرکار خانم نفیسه لشکری و دوستان همکارشان که مقداره پیگیر ضبط مطالب این نوشتار جهت تهیه برنامه ای رادیویی بودند، تشکر کنیم. هم چنین بر خود واجب می دانیم کمال تشکر را از سرکار خانم مریم احمدنژاد که سر پیاده کردن فایل های صوتی زحمات بسیاری را متحمل شدند، ادا نماییم و نیز خواه محترم سرکار خانم قدسیه پائینی که به عنوان مؤلف در طراحی فصول و نوشتار پیش رو زحمات بسیاری را متحمل شدند، کمال تشکر را داریم. از خداوند متعال برای همه این بانوان توفیقات پیوسته و اجر غیر ممنون را مسألت داریم. امید است که این کمترین پیش کش، مقبول جناب هاجر (س) و حضرت فاطمه بنت اسد (س)، مادر امیرال مؤمنین (ع) قرار بگیرد و سعی حاضر، به واسطه شفاعت ایشان، متصل به رضایت ذات الهی تبارک و تعالی گردد.